

غرب به دنبال معامله با سودان است



مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران»، با آقای جاوید قربان‌اوغلی، مدیر کل سابق آفریقای وزارت امور خارجه

"وقتی در سال ۲۰۰۶ میلادی قطعنامه ۱۷۰۶ شورای امنیت درباره استقرار نیروهای بین‌المللی در منطقه دارفور صادر شد، به آنها گفتیم که آن را در کوزه بگذارند و آب آن را بخورند. الان نیز به آنها می‌گویم که باید آماده شوند تا این کار را مثل گذشته انجام دهند." این جملات بخشی از اظهارات عمر البشیر، رئیس‌جمهور سودان، در واکنش به رأی دادگاه کیفری بین‌المللی بود که حکم بازداشت او را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در دارفور صادر کرده بود. صدور این حکم که واکنش‌های جهانی بسیاری را به دنبال داشت، همچنان موضوعی داغ در رسانه‌های جهان است. عمرالبشیر نخستین زمامداری است که در خلال دوران زمامداری خود به ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، متهم و حکم بازداشت وی صادر شده است. به همین منظور، در گفت‌وگویی با جاوید قربان‌اوغلی، مدیر کل سابق آفریقای وزارت امور خارجه، به بررسی علل و عواقب صدور چنین حکمی پرداختیم. آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل این گفت‌وگو است:

تعمیر ایران: از زمان صدور حکم دادگاه علیه عمرالبشیر، تحلیل‌های مختلفی در رسانه‌ها و بین کارشناسان مسایل بین‌الملل صورت گرفته است. نظر شما در این خصوص چیست و فکر می‌کنید که این حکم با چه انگیزه‌هایی صادر شده است؟

اولاً می‌توان گفت که این حکم وجهت قانونی ندارد، چون رؤسای کشورها بر اساس یک قرارداد بین‌المللی تا زمانی که در مصدر حکومت هستند از هرگونه محکومیتی مصون می‌باشند. کما این که دیدیم، احکامی علیه آگوستو پینوشه، دیکتاتور سابق شیلی یا چارلز تیلر رئیس‌جمهور سابق لیبریا تنظیم شد، اما صدور حکم آنها بعد از لغو مصونیت قضایی آنها صورت گرفت. پس مشخصاً می‌توان گفت که صدور این حکم، بیشتر ماهیت سیاسی دارد تا ماهیت قضایی. البته این بدین معنا نیست که هیچ اتفاقی در سودان نیفتاده است. مثلاً در منازعه دارفور تعدادی کشته شدند، ولی با بزرگ‌نمایی‌هایی که از سوی مخالفان سودان و کشورهای غربی انجام شده، این امر دست‌آویزی برای صدور حکم و قرار بازداشت بین‌المللی عمرالبشیر قرار گرفته است. صرف نظر

از انگیزه‌های سیاسی، یکی از مهمترین دلایل صدور این حکم به خود سودان و ویژگی‌های این کشور باز می‌گردد.

سودان کشوری با ویژگی‌های منحصر به فرد در قاره آفریقا است. این کشور دارای ذخایر بسیار عظیم نفت است و در حال حاضر ۴۵۰ الی ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر می‌کند و پیش‌بینی می‌شود که به یکی از مهمترین و بزرگترین کشورهای صادرکننده نفت در این قاره تبدیل شود. دوم این که سودان موقعیت فوق‌العاده استراتژیکی دارد. این کشور در مرز آفریقای سیاه و آفریقای عرب‌تبار قرار دارد. سودان همچنین یک موقعیت دوگانه دارد؛ یعنی هم اعراب در این کشور زندگی می‌کنند - که بیشتر در مناطق شمالی ساکن می‌باشند - و هم خود آفریقایی‌ها که در قسمت‌های جنوبی قرار دارند. مسأله بعدی این است که سودان یک کشور عربی اسلامی است و تقریباً با ۹ کشور آفریقایی که اکثر آنها غیرمسلمان هستند هم‌مرز است. با این وجود، میزان تأثیرگذاری سودان به علت موقعیت سوق‌الجیشی و به علت موقعیت جغرافیایی‌اش - هم بر همسایگانش و هم بر قاره آفریقا - بسیار زیاد است. موضوع دیگر، جاه‌طلبی‌های ایدئولوژیک سودان در تأثیرگذاری بر سایر کشورهای همسایه می‌باشد. اما مهمترین ویژگی سودان، عدم تسلیم این کشور در برابر اراده غرب و مخصوصاً آمریکا است. یک زمان سودان را متهم کردند که پایگاه القاعده است و می‌گفتند که اسامه بن لادن در آنجا زندگی کرده است. امروز هم سودان را متهم می‌کنند که رهبران تندروی اسلامی در آنجا فعالیت می‌کنند. البته باید گفت که خود عمرالبشیر جزو اخوان‌المسلمین بوده و الان هم ماهیتی ایدئولوژیک دارد. بنابراین تمام این مسایل دست به دست هم داده که من با قاطعیت بگویم، این حکم بیشتر از آن که یک حکم قضایی باشد، یک حکم سیاسی است.

تعمیر ایران: گذشته از انگیزه‌های سیاسی در صدور این حکم، عده‌ای از سیاستمداران بین‌المللی، هدف از صدور این حکم را تلاشی برای فروپاشی این کشور عنوان کرده‌اند. نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا این حکم می‌توانست به حدی تأثیر

داشته باشد که منجر به فروپاشی دولت سودان شود؟

اگر غربی‌ها بتوانند، حتماً برای فروپاشی دولت سودان تلاش خواهند کرد، چراکه سودانی که تابع غرب نباشد، نفت داشته باشد، گرایش‌های اسلامی قوی داشته باشد و بر کل قاره آفریقا تأثیرگذار باشد، مطلوب غربی‌ها و به خصوص آمریکا نیست. بنابراین فروپاشی دولت سودان جزو اهداف غرب است و این که تا به امروز این هدف عملی نشده، بدان علت است که در این کار موفق نبوده‌اند. در واقع تجربه سیاسی کشورهای غربی و خصوصاً سه کشور آمریکا، انگلیس و فرانسه نشان می‌دهد که همیشه سیاست‌های چندوجهی را دنبال می‌کنند تا چنانچه هدف اول محقق نشد، به سایر اهداف دست یابند. آنچه که فعلاً مشخص است این است که این کشورها با این فشارها می‌خواهند به همان دلایلی که عرض کردم، سودان را به دو یا سه کشور تجزیه کنند.

تعمیر ایران: شما به تلاش غرب برای تجزیه سودان اشاره کردید، ولی "ژان ماری فاردو" مدیر سازمان دیده‌بان حقوق بشر فرانسه مدعی شده که این رأی، هشدار جدی به همه دیکتاتورهای است که در مقام رئیس‌جمهوری، احتمال دارد مرتکب جنایت شوند. شما چقدر با این اظهار نظر موافق هستید؟

اشکال کار غربی‌ها این است که همه چیز را از دید خود می‌بینند و همه را با متر خودشان اندازه می‌گیرند. دیکتاتور یعنی چی؟ دیکتاتور، آن طور که ما می‌دانیم یعنی کسی که با توسل به زور به قدرت رسیده باشد، با زور و سر نیزه حکومت بکند، تمام اموال و دارایی‌های مردم را هم به زور غصب کند و مردم از او تبعیت نکنند. ولی ما شاهد هیچ کدام از این معیارها در سودان نیستیم. سودان یکی از کشورهایی

است که اتفاقاً چند حزبی است و عمرالبشیر با اراده مردم و در انتخاباتی که مردم به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند، به عنوان رییس‌جمهور انتخاب شده است.

نتیجه: پس ماجرای که غرب اشاره می‌کند که عمرالبشیر از یک کودتای صلح‌آمیز به قدرت رسیده چه می‌شود؟

بله عمرالبشیر مثل سران خیلی از کشورهای آفریقایی با کودتا روی کار آمده است. آفریقا در کل قاره کودتاها است، ولی بعد از این کودتا که در سال ۱۹۸۵ رخ داد، انتخابات برگزار شد و مردم با اراده خود او را به این سمت برگزیدند. هرچند غرب معتقد است که انتخابات مذکور نمایشی بوده است، اما این مسأله صحت ندارد و مردم با رأی خود، عمرالبشیر را انتخاب کردند.

نتیجه: در این خصوص، غربی‌ها باز هم معتقدند که انتخابات نمایشی بوده است، عقیده جناب‌عالی در این رابطه چه می‌باشد؟

این موضوعی است که مردم سودان باید در مورد آن قضاوت کنند، نه غربی‌ها. در خیلی از کشورهای آفریقایی، حکومت‌هایی وجود دارد که توسط نظامیان روی کار آمده ولی مدتی بعد، نظامی‌گری را کنار گذاشته‌اند. حتی رهبران کشورهای غنا یا اوگاندا - که متحدان آمریکا محسوب می‌شوند - به قول خود غربی‌ها با کودتا علیه دیکتاتورهای سابق به قدرت رسیده‌اند و نزدیک به ۲۰ سال است که حکومت می‌کنند و هر سال هم در زمان انتخابات از طریق رأی مردم به قدرت می‌رسند. در مورد عمرالبشیر هم وضع به همین صورت است. شما حتی می‌بینید که بعد از صدور این حکم، اکثریت قریب به اتفاق مردم سودان و حتی جریان مخالف سیاسی، از رییس‌جمهور منتخب خودشان حمایت کردند. بنابراین مفهوم دیکتاتور در مورد ایشان - حتی با منطق دموکراسی مورد ادعای غرب - سازگاری ندارد. جالب این است که لفظ دیکتاتوری و حمایت از تروریسم، فقط به نظام‌هایی که با غرب مشکل دارند اطلاق می‌شود، ولی به کشورهایی که جزو متحدین آنها هستند و اصلاً هیچ آثاری از دموکراسی - حتی انتخابات - در آنها وجود ندارد، دیکتاتوری اطلاق نمی‌شود. لذا این مسأله هیچ منطقی ندارد و مرجع قضاوت در مورد این که ایشان دیکتاتور هست یا نه، مدیر سازمان دیده‌بان حقوق بشر فرانسه نیست. حتی سازمان ملل متحد که ارگان‌های بسیاری دارد و بر موضوعات داخلی کشورها نظارت می‌کند، چنین چیزی را مدعی نشده است. من حتی فکر می‌کنم سودان یکی از مظاهر دموکراسی در آفریقا است. جالب اینجا است که غرب، این لقب را بر «حُسنی مبارک» - که خودش را مادام‌العمر رییس‌جمهور مصر کرده و در

تدارک انتقال قدرت به پسرش است - اطلاق نمی‌کند، ولی عمرالبشیر را که با انتخابات قانونی به قدرت رسیده، به عنوان دیکتاتور معرفی می‌نماید.

نتیجه: به نظر شما چقدر احتمال دارد که این حکم لغو شود و آیا تا به حال سابقه داشته که یک نهاد بین‌المللی حکمی را صادر کند و بعد خودش آن حکم را لغو کند؟

اخیراً فرانسوی‌ها ۴ شرط اساسی را پیش پای دولت سودان نهاده‌اند که در صورت پذیرش این شروط، حکم مذکور لغو خواهد شد. خود این امر، نشان‌دهنده ماهیت سیاسی این حکم است. ثانیاً این که آن شروط را تعیین می‌کنند، نشان می‌دهد که آنها بنا بر آن شروط حکم را صادر کرده‌اند و غربی‌ها با فشار به سودان می‌خواهند شرایط خودشان را در این کشور محقق کنند که یکی از آن فشارها هم صدور چنین احکامی است. در واقع آنها می‌خواهند با چنین اقداماتی معامله کنند. نکته سومی نیز در این میان وجود دارد و آن رقابت کشورهای غربی بر سر سودان است. این واقعیتی است که سودان، کشوری ثروتمند است و غربی‌ها به ثروت این کشور چشم دوخته‌اند. آمریکایی‌ها منافع خودشان را در سودان دارند، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها هم به دنبال منافع خودشان در این کشور هستند. در واقع، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بدان جهت که سابقه استعماری در آفریقا دارند، ارزش کشورهای آفریقایی را بیشتر درک می‌کنند. مجموعه این موارد به خوبی رقابت درونی کشورهای غربی را در جهت تسلط بر کشورهای آفریقایی نظیر سودان مشخص می‌کند. نکته آخر این که لغو این حکم نیازمند ماده ۱۶ قانون دادگاه لاهه نیست. اگر ماده ۱۶ قانون دادگاه لاهه معتبر است در آن تصریح شده که سران کشورها از پیگرد قضایی مصون هستند!

نتیجه: پس به این معتقد هستید که صدور این حکم، نقض حاکمیت دولت سودان محسوب می‌شود؟

البته قبل از این که بحث نقض حاکمیت سودان مطرح باشد، صدور چنین حکمی به نوعی خدشه‌دار کردن قوانین بین‌المللی است. اگر مراجع بین‌المللی با چنین قانون شکنی‌هایی برخورد نکنند، چنین اقداماتی گسترش خواهند یافت و اقداماتی نظیر اقدام آمریکا در بی‌توجهی به قوانین بین‌المللی و شورای امنیت در حمله به عراق افزایش خواهد یافت و کشورها برای خودشان، هم قاضی می‌شوند و هم مجری.

نتیجه: به نظر شما صدور این حکم از بُعد داخلی چه پیامدهایی برای دولت سودان به همراه

خواهد داشت؟

صدور این حکم، هم پیامدهای مثبت برای سودان داشته و هم منفی. از پیامدهای منفی باید به این موضوع اشاره کرد که صدور این حکم، مشوقی برای تجزیه‌طلبان دارفور است و باعث می‌شود آنها احساس کنند که از پشتیبانی بین‌المللی برخوردار هستند. حتی ما دیدیم که بعد از صدور این حکم، مخالفان دولت سودان اعلام کردند که دیگر به قرارداد صلحی که با دولت امضا کرده‌اند پایبند نیستند و گفت‌وگوهای صلح را ادامه نمی‌دهند. اما پیامد مثبت هم این بود که باعث ایجاد یک وفاق ملی، حول عمرالبشیر گردید و بعد از صدور این حکم، حتی احزاب مخالف داخلی هم از عمرالبشیر حمایت کردند.

نتیجه: بعد از صدور حکم بازداشت عمرالبشیر شاهد بوده‌ایم که وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی با صدور بیانیهای خواستار لغو این حکم شدند. به نظر شما واکنش کشورهای عربی از چه استحکامی برخوردار است؟

طبق مقرراتی که در اتحادیه عرب وجود دارد، اعضای این اتحادیه در مواجهه با مشکلات باید اتحاد عربی خود را حفظ نمایند و از هر کشور عربی که مشکلی برایش پیش آمده حمایت کنند. این حمایت را ما در جنگ ایران و عراق هم دیدیم. اگرچه مهمترین موضوعی که اعراب در آن متحد نیستند مسأله فلسطین است، اما واقعیت این است که اتحادیه عرب در مسأله سودان به شکل صوری هم که شده از کشور سودان حمایت کرد. موضوعی که اهمیت دارد این است که حتی این شکل صوری حمایت هم ارزشمند بود و یک نوع مواجهه و رویارویی با صادرکنندگان این حکم محسوب می‌شد، ولی این که غربی‌ها در انتظار نابودی این اتحاد هستند، با علم به این است که بعضی از نظام‌های عربی متحد غرب، به خاطر ماهیت اسلامی این کشور و تأثیرات فرهنگی که این کشور بر سایر کشورهای عربی دارد، از عمرالبشیر دلخوش نیستند. با این حال من فکر می‌کنم که در این موضوع، کشورهای عربی مجبورند که از سودان حمایت کنند. آن چیزی که اهمیت دارد این است که تجزیه یک کشور اسلامی فاجعه‌ای برای جهان اسلام محسوب می‌شود و به هر طریق ممکن، باید جلوی این اتفاق گرفته شود. البته جلوگیری از چنین اتفاقی فقط در دست کشورهای مسلمان نیست و تا اندازه‌ای هم به عقلانیت و اداره کشور به دست رهبران آن مربوط می‌شود. لذا ما فکر می‌کنیم که سودان باید با چشم باز به این مسأله نگاه کند.

نتیجه: متشکریم.